



آموزشکده تربیت بدنی امام علی (ع) صفادشت (پسران)

حقوق ورزشی

مقطع کارشناسی

گردآورندگان و اساتید:

وحید حاتمی - محسن بهمنی

جلسه دوم

جلسه دوم:

مبحث اول: جایگاه ورزش در قانون اساسی

مبحث دوم: حقوق ورزش در اسلام

مبحث سوم: حقوق ورزش در حقوق ایران

❖ مبحث اول: جایگاه ورزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی مهمترین سند حقوقی کشور است و منشأ صلاحیت و مشروعیت تمامی نهادهایی است که در کشور وجود دارد. اهمیت هر نهادی در کشور به تعبیری، بستگی به جایگاه آن در قانون اساسی دارد. اصولاً قانون اساسی به بررسی اساسی ترین امور کشور مانند حکومت، زبان، دین رسمی، حقوق ملت، اقتصاد و امور مالی قوای حاکم، رهبری، ریاست جمهوری میپردازد و بحث در مورد امور کم اهمیت تر را به قوانین عادی واگذار میکند. اکنون پرسش این است که آیا از ورزش در قانون اساسی به صراحت نام برده شده است یا اینکه مشروعیت خود را به طور غیرمستقیم از قانون اساسی بدست میآورد؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل دوم مقرر داشته که جمهوری اسلامی ایران نظامی بر پایه ایمان به:

۱ خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲ وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳ معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴ عدل خدا در خلقت و تشریع.

۵ امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی.

و بالاخره پس از ذکر اصول دین به شرح فوق به سراغ انسان آمده و مقرر میدارد:

که جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به:

۶ کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا. به عبارت دیگر هدف

نهایی، تربیت انسانی موحد و مؤمن به وحی، معاد، عدل و امامت است زیرا که اصول دین

واقعتهای زوال ناپذیرند و آنچه از نظر مقنن اهمیت اساسی داشته، همان تحقق بند ۶ یعنی تربیت انسانی کریم، با ارزشهای والای انسانی، آزاد و مسئول در برابر خداست.

برهمن اساس در اصل دوم، دولت جمهوری اسلامي ايران موظف شده كه برای نیل به این اهداف همه امکانات خود را برای امور ذیل بکار برد. از این جمله، نتایج زیر قابل درک است:

الف: دولت موظف شده و اختیاری در رد یا قبول ندارد.

ب: دولت موظف است همه امکانات خود و نه بخشی از آن را بکار گیرد.

ج: دولت موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم فقط از طریق موارد مذکور در اصل سوم برای نیل به اهداف اقدام کند و به عبارت بهتر، وسایلی که دولت میتواند به آنها متوسل شود حصري بوده و منحصر به بندهای شانزدهگانه اصل سوم است.

در همین اصل و در صدر امور مورد نظر مقرر گردیده:

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدني رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالي.

با دقت در مفاد این بند نتایج ذیل قابل حصول است:

الف: از تربیت بدني یا ورزش به صراحت یاد شده است.

و این نشانه جایگاه بسیار مهم ورزش در میان اساسیترین نهادهای کشور است به عبارت دیگر ورزش به آن درجه اهمیت است که در قانون اساسي يعني مهمترین سند حقوقي کشور یا جایگاه اساسیترین نهادهای کشور قرار گرفته است.

ب: ورزش در عرض آموزش و پرورش قرار دارد و نه در بطن و یا در طول آن و این بدان معناست که ورزش از نظر اهمیت در نیل به اهداف نظام نقشي مستقل و حیاتي دارد و بخشی از آموزش و پرورش نیست.

ج: قراردادن ورزش در ردیف آموزش و پرورش و آموزش عالي نشان میدهد که از دیدگاه قانون اساسي، ورزش یک نهاد فرهنگی برای نیل به هدف تربیت انسان مورد نظر نظام است و نه یک نهاد مادی و مجموعههای از حرکات بدني.

د: در عین حال ورزش وسیله‌ای برای برومندی است و خود هدف به حساب نمی‌آید.

ه: الزام به رایگان بودن آن برای همه در تمام سطوح تأکید دیگری بر آن است که این وسیله حیاتی باید به سهل‌ترین روش برای برومندی نسل بکار گرفته شود همانگونه که آموزش و پرورش هیچ محدودیتی نباید داشته باشد.

و: از نظر قانون اساسی، ورزش به عنوان وسیله‌ای حیاتی و بنیادین با آموزش عالی از نظر اهمیت در یک سطح قرار داده نشده و به همین دلیل تکلیف دولت در باب آموزش عالی صرفاً تسهیل و تعمیم است ولی رایگان برای همه و در تمام سطوح نخواهد بود.

❖ مبحث دوم: حقوق ورزشی در اسلام

آیات و روایات متعددی از جمله این روایت ((قو علي خدمتك جوارحي واشدد علي العزيمته جوانحي: پروردگارا اعضا و اندام مرا در طریق خدمت به خود نیرومند گردان و اعصاب و افکارم را بر عزم و استواری محکم فرما)) ((چهل حدیث، سید رضا تقوی، ص ۶۹)) که در اسلام راجع به ورزش و وجوب آن وجود دارد نمایانگر دیدگاه روشن شریعت در خصوص مورد است. به موازات این منابع، فقهاء در باب مسؤولیتهای حقوقی ناشی از حوادث ورزشی نظرات پر محتوی و مستحکمی را مطرح نموده اند. سابقه کار به صدر اسلام میرسد و باب اظهار نظر همچنان مفتوح است کما اینکه فقهای معاصر نیز در پاسخ به استفتانات ورزشی به تفصیل سخن گفته‌اند. از جمله فقهایی که در باب حقوق ورزشی نظراتی ابراز داشته‌اند. ابن قدامه در المغنی، شیخ طوسی در مسبوط محمد بن ادريس حلی در سرانر، محقق حلی در شرایع الاسلام، علامه حلی در قواعد الاحکام، فاضل هندی در کشف اللثام و شیخ محمد حسن نجفی در جواهر الکلام هستند. البته با توجه به محدودیت رشته‌های ورزشی در گذشته که منحصر به تیراندازی، شنا، اسب دوانی و ... بود، فتاوی نیز از نظر کمی محدود است ولی به لحاظ کیفی قابل استناد در اغلب رشته های ورزشی است به عنوان مثال در باب مسؤولیت معلم شنا نسبت به حفاظت از سلامت شناگری که برای آموزش به او سپرده میشود بر حسب سن شناگر نظرات مختلفی ارائه شده یا در باب مسؤولیت حقوقی کسانی که به تمرین تیراندازی پرداخته و تیر به عابر اصابت میکند فتاوی مختلفی داده شده است. وجود چنین منابعی در حقوق اسلام ضمن اینکه قدمت موضوع را مشخص مینماید به اهمیت ورزش و حوادث آن نیز اشاره دارد.

❖ مبحث سوم: حقوق ورزشی در حقوق ایران

از آغاز دوره قانونگذاری در ایران معاصر یعنی از ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۲ قانون مشخصی که در باب حوادث ورزشی به صراحت تعیین تکلیف کرده باشد وجود نداشت و حقوقدانان در راستای توجیه حوادث ناشی از عملیات ورزشی به مبانی و اصول حقوقی متوسل شده اند. استاد عبدالحسین علی آبادی ضمن طرح بعضی نظرهای که رضایت مجنی علیه را علت مواجهه حوادث ورزشی میدانند معتقد است: «بهترین توجیه عدم مجازات مشت زن و کلیه اشخاصی که در اثناى عملیات ورزشی مرتکب جرح میشوند اجازه قانون است»

حقوقدانانی که بعد از ایشان در این زمینه اظهار نظر کرده‌اند نیز به اجازه قانون، آداب و رسوم اجتماعی برای موجه قلمداد کردن حوادث موصوف متوسل شده اند و گاه گفته اند که از نظر قانون ایران با توجه به اینکه موردی وجود ندارد که عرف موجب نقض قانون شود نمیتوان استدلالات فوق را پذیرفت و به نظر میرسد که در صورت شکایت شاکي در مورد جرح و به هر حال در صورت وقوع قتل قضیه قابل تعقیب باشد.

اما در سال ۱۳۵۲ مقنن به این اختلاف نظر پایان داد و به صراحت و به موجب ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی مقرر داشت که «حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد جرم محسوب نمی شود» (دیباچه ای بر حقوق ورزشی وقواعد عمومی حقوق جزا، البرز چلبی، ص ۱۸).

در سال ۱۳۶۱ مقنن همین متن فوق را با اضافه کردن جمله (.... و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد) در ماده ۳۲ قانون راجع به مجازات اسلامی مورد تأیید قرار داد. در سال ۱۳۷۰ نیز به رغم تغییراتی که در قانون مجازات اسلامی داده شد ماده ۳۲ اخیر الذکر فقط با تغییر شماره ماده به ۵۹ عیناً به تصویب رسید و در حال حاضر در مورد حوادث ناشی از عملیات ورزشی که جنبه جزائی داشته باشد مورد استناد است. اما در مورد مسئولیت مدنی حوادث ورزشی تاکنون قانون خاصی که به صراحت به ورزش اشاره‌ای داشته باشد تصویب وضع است و جبران خسارت حوادث ورزشی با استناد به قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، قانون مدنی و سایر قوانین، اصول فتاوی و عرف و عادت حل و فصل می شود که شرح تفصیلی آن خواهد آمد.